



۲۰۱۲/۰۵/۰۸

داکتر عبدالرحمن زمانی

نگاهی به سوابق سیاست توسعه طلبی روس ها قبل از کودتای ثور

(قسمت سوم و آخری)

تغیر پالیسی روسیه بعد از استحکام پایه های قدرت دولت شورا ها (حفظ سیاست توسعه طلبی تزاری در نظام بلشویکی؟)

مناسبات افغانستان و روسیه شوروی در اوایل دوستانه و صمیمی بود. لنین رهبر شوروی به استقرار و گسترش روابط با افغانستان توجه خاص داشت. به تاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ اولین معاهده دوستی و مودت دولتین امضا شد.

با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاسی افغانستان، دوستی با افغانستان برای روس ها خصوصاً در رابطه براه انداختن اقدامات انقلابی در هند اهمیت زیاد داشت، و بهترین دهلیز و مناسب ترین راه کم و بیش هموار برای رخنه به هندوستان تلقی میشد. به همین ترتیب دشمنی با افغانستان می توانست هر گونه اقدامات انقلابیون هند را فتلج ساخته و بگفته "یوری تیخانف" مؤرخ روسی، میان روسیه و هند دیوار رخنه ناپذیری به سان «دیوار چین» برپا کند. به گفته این مؤرخ، نه تنها خصومت، بلکه حتی بیطرفی افغانستان برای روسیه زیانبار پنداشته میشد. چون بیطرفی افغانستان، مانع نفوذ آنها در میان قبایل سرحد آزاد که «روح انقلاب» مسلحانه در هند شمرده می شد، گشته و میتوانست آنها را در مبارزه بر سر هند از حامیان مهمی محروم سازد.

دولت امانی در آغاز به این گمان که بلشویک ها اهداف ضد امپریالیستی دارند، و از آزادی تمام ملت ها پشتیبانی میکنند، تا حدی به انقلاب روسیه خوشبین بود. اما این خوشبینی بعد از مدتی جایش را به بدبینی داده و به تیره گی روابط دو کشور انجامید.

در شکل گیری مناسبات خارجی دولت امانی خصوصاً با روسیه بلشویکی نیرو های مختلف و مغلقی نقش داشتند:

ا. امیر بخارا: از یکطرف با روسیه شوروی در جنگ بوده، از کمک و حمایت محدود غازی امان الله خان استفاده نموده، از طرف دیگر با دشمن وی (انگلیس ها) نیز مناسبات حسنه داشته و حمایت میشد.

ب. انقلابیون هند در کابل: از یکطرف با انگلیس ها در جنگ بوده، از کمک و حمایت غازی مان الله خان استفاده نموده، از طرف دیگر با روس ها نیز مناسبات خیلی حسنه و دوستانه داشته، و میخواستند مشترکاً از افغانستان بحیث یک پایگاه برای فعالیت هایشان در هند بریتانوی استفاده کنند.

ج. هند بریتانوی: هم مخالف دولت امانی در افغانستان بوده و هم با روسیه شوروی و انقلابیون هند مخالفت داشت. اما با امیر بخارا مناسبات حسنه و دوستانه داشته از مخالفین دولت روسیه در آسیای مرکزی حمایت میکرد

د. روسیه شوروی: از جنگجویان قبایلی سرحد آزاد و انقلابیون هندی حمایت نموده، میکوشید با وعده کمک به دولت امانی اجازه استعمال افغانستان بحیث یک پایگاه علیه هند بریتانوی را بدست آورد.

تیره گی روابط افغانستان و روسیه در عهد امانی

غازی امان الله خان میکوشید در رقابت های بین انگلیس و روسیه نقش مستقل داشته باشد. برخلاف ادعا های که دولت امانی با روسیه مناسبات خیلی نزدیک و دوستانه داشت، و گویا عقده در برابر انگلیس باعث نزدیکی با روس و کمونیزم شده بود، این مناسبات دارای فراز و نشیب های متعدد بوده و سیاست مستقل دولت امانی سبب شد که تا اواخر سال ۱۹۲۲ روس ها با دو شکست بزرگ روبرو شوند. شکست اول دستگیری ۸ نفر از هندی های کمونیستی

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

بود که در روسیه آموزش دیده بود و چون روس ها نتوانستند آنها را از طریق افغانستان به هند انتقال دهند، مجبور شدند تا آنها را از طریق واخان، پامیر و چترال بفرستند. شکست دوم خروج تقریباً تمام انقلابیون هندی بی بود که در افغانستان فعالیت داشتند.

عواملی که بر مناسبات دوستانه افغانستان و شوروی تأثیر منفی بجا گذاشت، متعدد بوده که از جمله میتوان موارد آتی را ذکر کرد:

ا. تخطی از مواد تعهدنامه و کمک به افغانستان

طوری که در قسمت قبلی ذکر شد، با امضای معاهده افغانستان و روسیه، دولت روسیه متعهد شده بود تا سرزمین های منطقه سرحدی را که در قرن گذشته متعلق به افغانستان بود، به این کشور باز گرداند، و به دولت افغانستان کمک نقدی و مادی نماید. همچنان درین معاهده طرفین آزادی ملل شرقی را باسناد حق خود ارادیت و مطابق به میل خود شان قبول نموده و در فقره هشتم آن استقلال و آزادی حقیقی دولت بخارا و خیوه را بهر طرز حکومتی که خواهش ملل آنها باشد، قبول کردند. اما با استحکام پایه های دولت شوروی در منطقه، پالیسی روسیه شوروی تغییر نموده و با ادغام سرزمین های بخارا، خیوه و پنجده در جمهوریت های آسیای مرکزی و تعویق انداختن کمک های موعود، آشکارا از مواد تعهد نامه تخطی نمودند.

ب. بدعهدی در پشتیبانی از مفکوره پان اسلامیزم

تناقض بین گفتار و کردار رهبران شوروی در پشتیبانی از پان اسلامیزم بحیث یک نهضت انقلابی بزودی به یکی از مسایل بسیار مهم مورد اختلاف بین دولت امانی و بلشویک ها تبدیل شد. مثلاً رهبر شوروی از نهضت پان اسلامیزم بحیث یک نهضت ضد امپریالیستی و انقلابی پشتیبانی نموده و در اولین ملاقات با جنرال محمد ولی خان دروازی، سفیر و نماینده خاص غازی امان الله خان، به تاریخ ۱۴ اکتوبر ۱۹۱۹ و دیدار دوم و آخری وی که بعد از یکنیم ماه صورت گرفت، تأکید ورزید که افغانستان بحیث یگانه کشور اسلامی مستقل در آسنا «رسالت خطیر تاریخی را بدوش دارد که خلق های دربند مسلمان را پیرامون خود گرد آورده و آنان را به راه آزادی و استقلال رهنمائی کند».

از طرف دیگر رهنمود لنین در تزه های مربوط به مسئله ملی و مستعمراتی که در ماه جون سال ۱۹۲۰ قبل از دومین کنگره انترناسیونال کمونیستی منتشر گردید، با این نهضت مخالفت کرده و از لزوم مبارزه علیه پان اسلامیزم و جریانات نظیر آن، که میکوشند جنبش رهائی بخش ضد امپریالیزم اروپا و امریکا را با تحکیم موقعیت خان ها و ملاکین و آخذ ها و غیر توأم سازند، صحبت میکرد (۱).

محقق روسی میخائیل ولوسدارسکی معتقد است که لنین آشکارا با اندیشه پان اسلامیزم، که امان الله خان در تفاوت با پدر و پدربزرگانش به آن ارج میگذاشت، بازی میکرد، و هدف چنین بازی آن بود که پای افغانستان را در اقدامات ضد انگلیسی مسکو در جهان اسلام بکشاند (۲). اما این اقدامات عوض اینکه به سود مسکو بر ضد انگلیس عیار شود، در عمل بر ضد بلشویک ها قرار گرفتند، زیرا امان الله خان آرزوی ایجاد «فدراسیون آسیای مرکزی» زیر سر پرستی کابل را داشت (۳).

دولت امانی که آرزوی اتحاد سرزمین های دوکرانه رود آمو را داشت، طبعاً نمیتوانست در رابطه با مبارزه تحمیل شده بر مردم آسیای مرکزی همدردی نشان ندهد، لذا به رزمندگان آسیای مرکزی که بعد از انقلاب اکتوبر علیه حکومت شوروی می جنگیدند، و به نام باسماچی ها (۴) یاد میشدند، کمک میکرد. وی همچنان در جواب درخواست سید میر عالم خان (۵)، امیر بخارا، افراد و موادی را به کمک وی فرستاد. به گفته گریگوریان (۶)، پالیسی های افغان در رابطه با آسیای مرکزی از همبستگی پان اسلامیستی فراتر رفته، امارت مستقل بخارا میتوانست بحیث حایل (بفر) علیه روس ها و منافع شان در افغانستان مورد استفاده قرار گیرد.

در اسناد استخبارات انگلیس نیز ذکر شده است که امان الله خان برای حمایت از انور پاشا، به بخارا واحدی را متشکل از ۲۰۰ سپاهی پیاده نظام با دو فیل و با چندین مسلسل زیر فرماندهی برگد فاضل احمد خان، گسیل کرد (۷).

در سال های ۱۹۱۹-۱۹۲۰ دولت امانی با توجه به «همبستگی اسلامی» با آمادگی از مهاجرین مناطق شوروی سازی شده آسیای مرکزی پذیرایی کرد. برای آن ها زمین و انواع کمک های دیگر داده شد. برای مثال، در

ترکستان افغانی به امر وزیر عدلیه برای مهاجرین ترکمن کمک مادی (در هر ماه ۳,۵ بوری گندم و کمک نقدی 30 روپیه برای یک بار به هر عضو خانواده) تأدیه گردید(۸).

ج. صدور انقلاب شوروی به شرق و شوروی سازی کشور های آسیای مرکزی

شوروی سازی منطقه آسیای مرکزی یکی از عواملی دیگری بود که باعث تیرگی روابط کابل و مسکو در عهد امانی شد. سیاست دولت افغانستان که میکوشید از مبارزه مسلمانان همسایه شان در برابر حکومت شوروی پشتیبانی نماید، از طرف دانشمندان و محققین مورد بررسی متضاد قرار گرفته برخی آنرا "پشتیبانی بی آایشانه و اظهار دلسوزی و همبستگی اسلامی (۹)" دانسته و برخی هم آنرا ماجراجویی غیر دوستانه نسبت به روسیه، پان اسلامیزم و تلاش الحاق خاک های دیگر را باز می یابد.

به گفته داکتر کمال عبدالله یف، روابط میان کابل و مسکو با آزمون های سختی روبه رو شده بود، زیرا جمهوری فدراتیف شوروی سوسیالیستی روسیه با شوروی سازی منطقه آسیای میانه از سال 1917 تا سال 1920 و سراسر دهه بعدی، دورنمای مبارزه ملت های باشنده منطقه برای تعیین سرنوشت ملی شان را تیره و تار ساخته بود. در پاسخ به این تدبیرها، کابل و محافل اجتماعی افغانی می کوشیدند از مسلمانان همسایه در مبارزه شان در برابر حکومت شوروی پشتیبانی کنند.

د. تجاوز روسیه به جزیره درق در بین دریای آمو

بحران بزرگتر در مناسبات افغانستان و روسیه در ماه دسمبر سال ۱۹۲۵ با اشغال نظامی جزیره درق در دریای آمو توسط عساکر روسی رخ داد. شماره فوق العاده جریده افغان به تاریخ ۲۷ قوس نوشت که "...شنیده شده است که دوائر سیاسی و حربی ما در کابل، درین روز های اخیر، در مقابل یک امر واقع مانده است که آنهم تجاوز یک قطعه عسکر اتحاد جماهیر شوروی بر خاک مقدس ما در منطقه درق واقع حکومتی کلان بدخشان، و قتل یک نفر تهبانه دار افغانی است. تشویش و غیضی که خبر این حمله ناگهانی در تمام مردم افگنده است، نهایت مدهش است..." غازی امان الله خان بروز جمعه ۲۵ دسمبر، در وقت نماز، در مسجد گفت که روس ها به جزیره درق حمله کرده اند و افغانها حاضرند خون خود را بریزند. بهتر است در مجادله کشته شویم تا آنکه مانند لقمه قرط شویم. گرچه روسیه بعد از سفربری قوای نظامی افغان از کابل و قندهار به هرات و از کابل به بدخشان و مزار جزیره مذکور را تخلیه نموده، و برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی معاهده بیطرفی و عدم تعرض ۳۱ اگست ۱۹۲۶ را امضا نمود، اما این حادثه چشم های امان الله خان را در رابطه با احتمال خطر نفوذ شوروی از شمال باز نمود.

ه. سازماندهی گروه های مخالف دولت امانی (صدور انقلاب شوروی به شرق و نخستین سازمان های چپ افغانستان)

بعد از پیروزی انقلاب کمونیستی در روسیه در سال ۱۹۱۷م و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، حزب کمونیست این کشور، اتحادیه از احزاب انقلابی کشورهای دیگر به وجود آورد که اصطلاحاً کمیترن خوانده میشد و وظیفه آن حمایت از انقلاب کارگری بود. در همین راستا، روز اول سپتمبر ۱۹۲۰ به ابتکار حزب کمونیست روسیه بلشویکی اولین کنگره بزرگ رهبران حزب کمونیست کشورهای آسیائی و آفریقائی تحت عنوان «کنگره ملل ستمدیده مشرق زمین» در شهر باکو در ساحل دریای خزر برگزار شد. هدف از این اجلاس که بیش از یک هزار نماینده کمونیست در آن شرکت داشتند ایجاد هماهنگی میان احزاب کمونیست کشورهای آسیائی و آفریقائی با یکدیگر و همسو ساختن حرکت آنها با حزب کمونیست روسیه بود.

از جمله اهداف عمده کنگره باکو بررسی راههای بوجود آوردن تشکیلات کمونیستی در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، سوریه و افغانستان و سپس صدور دستاوردهای ایدئولوژیکی انقلاب بلشویکی به این کشورها بود.

به گفته داکتر ولادیمیر بویکو(۱۰)، یک محقق دیگر روسی، در سال ۱۹۱۹ تا اوایل ۱۹۲۰ گروه های افغانی دارای جهت گیری چپ رادیکال ایجاد و حمایت شدند. این پدیده در شرق و به خصوص در افغانستان به پیمانانه چشمگیری به صدور اندیشه های انقلابی و مداخلات سیاسی- ایدئولوژیکی مستقیم پیوند می خورد.

کمیته مرکزی انقلابیون جوان افغانی در سال ۱۹۲۰ در بخارا به وجود آمد، که رئیس آن شخصی به نام حاجی محمد یعقوب بود، و اعضای آن بیشتر افغان های باشنده بخارا بودند که هوادار انقلاب در افغانستان بودند. حکومت افغانستان

د پاپو شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

که از این موضوع آگاهی داشت، تقاضای بازگرداندن اتباع خود به میهن را نمود. مگر بخارا از آنان حمایت نمود. هدف عمده این سازمان، واژگونی ساختمان سیاسی موجود در افغانستان، برقراری اداره جمهوری، اعلام شد. برای رسیدن به این هدف، در نظر بود با کمک دولت شوروی «غند های سرخ» ایجاد کنند و کار نشراتی و تبلیغی را پیش ببرند و برای قیام عساکر و مردم افغانستان در برابر دولت موجود» زمینه سازی کنند. در نظر بود تا شعبه این سازمان در مناطق مرزی ترکستان (کرکاه، کوشکا، تخته بازار و دیگر جاها) و سپس در خود افغانستان (در مزار شریف، هرات و جا های دیگر) ایجاد گردد.

بویکو به استناد آیین نامه داخلی کمیته مرکزی انقلابیون جوان افغان، نتیجه میگیرد که بنیانگذاران این سازمان، هم به شیوه های سخت ایزاری، از جمله اقدامات تروریستی، امیدوار بودند، مگر تا کنون کدام اطلاعی در باره اقدامات عملی کمیته پیدا نشده و رد پای آن دیگر در سال ۱۹۲۱ ناپدید شد. طراحان استراتژیک مسکو تلاش می کردند به هر گونه که شده، به فرستادگان مخصوص خود در آسیای مرکزی کمک نمایند. آنها از جمله جا های را برای افغان ها و نیز ایرانیان و هندی ها به طور متمرکز در پوهنتون کمونیستی رنجبران خاور اختصاص می دادند.

ولودارسکی نیز در اثر شوروی ها و همسایه های جنوبی شان ایران و افغانستان مینویسد که «... در قلمرو جمهوری خودگردان سوسیالیستی ترکستان شوروی و جمهوری سوسیالیستی توده بی بخارا سازماندهی گروه های دشمن با امان الله که آیین نامه های برنامه بی آنها نزدیک به مارکسیزم - لنینیسم بود، با آهنگ پرشتابی جریان داشت (۱۱).

انگلیس ها حیران بودند که برای چه حکومت [جدید] بخارا از گروهک های مخالف امان الله خان که متشکل از «جنایت کاران گریزیان از زندان و مرتدان رنگارنگ اند» در سرزمین خود حمایت می کند و یا دست کم به آنان اجازه تبارز می دهد. در نامه ویسرای هند بریتانیایی به دفتر سیاسی اداره سیاست خارجی تاریخی 13 می 1921 آمده است که «هر گاه این کار دست کسی دیگری است، آنگاه استقلال بخارا چه معنا دارد؟ افزون بر آن، حکومت کنونی افغانستان خود را انقلابی می شمارد. در این مورد دلیل برای انقلاب در صورتی که در کشور هم اکنون روان است، چیست؟»

و. فعالیت های استخباراتی روسیه

برویت اسناد استخباراتی موجود در آرشیف های روسیه و دفتر هند بریتانوی، که فعلاً در دسترس محققین قرار دارند، روس ها از همان آغاز روابط خود با دولت امانی دست به تأسیس شبکه های جاسوسی در افغانستان زدند. فعالیت های جاسوسی و اطلاعاتی روس ها شامل جمع آوری اطلاعات راجع به حکومت افغانستان، روابط افغانستان با کشور های خارج و بصورت خاص روابط با انگلیس ها، جمع آوری اطلاعات در باره آلمان های مقیم کابل، تأسیس شبکه های جاسوسی در سرحدات آزاد و میان قبایل، نفوذ در بین بخارانیان مهاجر و تشویق ایشان جهت بازگشت به بخارا، نفوذ در بین هندی های مقیم کابل و استخدام بعضی از ایشان برای جاسوسی میشد.

به استناد خاطرات آقابکوف (۱۲) مامور سازمان جاسوسی روس در افغانستان که بنام "معاون اداره اطلاعات و مطبوعات سفارت روس در افغانستان ایفای وظیفه مینمود، قبل از وی و "والتر"، مأمورین سازمان استخبارات روس در مزار شریف تحت پوشش قونسل فعالیت میکردند، روس ها قونسل افغانستان در تاشکند را بعد از دعوت، دوی خواب آور خورانده و اسناد قونسلگری را ربودند، اطلاعات مهم را از قوای پولیس کابل میخریدند، کسانی را که به جاسوسی به انگلیس ها مظنون بودند، توسط دادن پول به رئیس پولیس کابل، به زندان می انداختند، اسناد مهم دولتی را توسط کارمندان و متخصصین آلمانی بی که به عقاید کمونیستی معتقد بودند، بدست می آوردند.

این جاسوس روسی در رابطه با سفر غازی امان الله خان به روسیه مینویسد که "در تمام مدت اقامت امیر در خاک شوروی، ما او را بوسیله مامورین "گ.پ.یو" [شبکه استخباراتی شوروی آنزمان] در محاصره داشتیم و همانطور که قبلاً گفته ام، پسر ژنرال "ساموئیلوف" را هم بعنوان پیشخدمت مخصوص او انتخاب کرده بودیم. افغان های اطراف امیر چون به هیچوجه حدس نمی زدند که این شخص به زبان فارسی مسلط است، لذا با کمال آزادی در حضورش صحبت میکردند و او نیز عیناً گفته های آنان را به ما تحویل میداد و به این ترتیب بر ما معلوم شد که توقف امیر در مسکو و پذیرایی های ما بهیچوجه نتوانسته او را افسون نماید و از مسافرت و از مجموع اطلاعات دریافتی متوجه شدیم که امیر امان الله خان در اثر مسافرت به اروپا به کلی تغییر عقیده داده و توجه او از شوروی به سمت کشورهای غربی

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

کشیده شده است. . . عبور او از ترکستان شوروی با چند حادثه همراه شد که یکی از آنها، سرقت دو جامه دان امیر بود. "ک. پ. یو" ابتدا خیال میکرد که این دو جامه دان حاوی اسناد و مدارک با ارزشی است، ولی پس از یافتن آنها معلوم شد که فقط محتوی وسایل شخصی هستند..."

ز. توطئه های انگلیس

راجع به توطئه های انگلیس در قبال برهم زدن روابط افغانستان و روسیه در قسمت های قبلی معلومات مفصل داده شده است. لیون پولادا، نویسنده کتاب اصلاحات و اغتشاش، به نقل از یک افغانی که معلومات مؤثق راجع به روابط غازی امان الله خان با روسیه داشت، مینویسد که امان الله خان به بلشویک ها اعتماد نداشته و از ایشان نفرت داشت. ولی برای زجر و اذیت انگلیس ها با روس ها در محضر عام از در محبت و دوستی پیش آمد میکرد. پولادا معتقد است که امان الله خان میتوانست فعالیت های سری داشته و به آزادی خواهان ملی گرای افراطی هند و رهبران مهاجرین هندی مقیم کابل، با وجود اینکه میدانست ایشان با بلشویک ها همدست اند، بصورت علنی کمک میکرد (۱۳).

انگلیس ها نه تنها از نزدیکی روابط روسیه با دولت امانی هراس داشتند، بلکه از نظر آنها فعالیت های غازی امان الله خان خطرات سه گانه آتی را متوجه هند بریتانوی هم میساخت (۱۴):

- امان الله خان عقیده داشت که افغانستان بحیث یک دولت مستقل حق تأسیس روابط دوستانه را با روسیه دارد.
 - از وجایب یک پادشاه مستقل مسلمان است که از برادران مسلمان خود که در هند اسیر اند، پشتیبانی کند.
 - بلاخره تأسیس روابط با اقوام مأورای خط دیورندرا، که با افغانستان ارتباط نژادی، مذهبی و تاریخی دارند، و بریتانیا در معاهده ۱۹۲۱ این حقیقت را اعتراف و از حقوق طبیعی افغانستان شناخته است، مجاز میدانستند (۱۵).
- لذا از همین سبب بود که بقول ولودارسکی، محقق روسی، انگلیس ها بجای تجزیه و تحلیل واقعینانه و اندیشمندانه اوضاع [مناسبات افغانستان و روسیه] به مشی سرسختانه پشت پازدن به منافع افغانستان ادامه میداد و در پی تعویض امان الله با شخصی که «برتری اتحاد با بریتانیای کبیر» را درک کند، بود (۱۶).

(پایان)

یادداشت ها و مأخذ

۱. لنین، کلیات آثار، جلد ۳۱، چاپ چهارم روسی، صفحات ۱۲۲ - ۱۲۸.
۲. ولودارسکی، میخائیل - ترجمه عزیز آریانفر (۲۰۰۱)، ص ۱۷۰.
۳. همانجا، ص ۱۷۱.
۴. باسماچی در زبان ترکی به معنی مردان مسلح سرکش و یاغی است که در ادبیات سیاسی روسی به معنای راهزن و یاغی به کار رفته است. باسماچیان متشکل از گروههایی از مسلمانان آسیای مرکزی بودند که برضد حکومت شوروی در سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۲۷ م میجنگیدند. رهبران باسماچیان با وجود اختلافی که در طیف اهداف آنان دیده می شود، افرادی بودند که برای مقاصد مذهبی یا ملی می جنگیدند. در طی کمتر از صد سال که از نهضت باسماچیان می گذرد، اظهار نظرها درباره ترکیب فرهنگی، زمینه های پیدایشی و علل موفقیت های نخستین و شکست نهایی آنان بسیار متفاوت بوده است. مورخان شوروی که همواره جنگ با باسماچیان را به عنوان بخشی از دوره «جنگ داخلی» مورد بررسی قرار داده اند، کوشیده اند تا بر ویژگی یاغیگری باسماچیان و تأثیر مخرب آنان در اقتصاد منطقه تأکید کرده، نقش دول خارجی چون بریتانیا را در تحریک و حمایت از آنان پراهمیت جلوه دهند؛ در حالی که در برخی از منابع غیر شوروی، حرکت باسماچیان به عنوان نمودی از پان تورانیسم و گاه به شکل نمایشی از قیام آزادی خواهانه یک ملت ارزیابی شده است.
۵. سید میر محمد عالم خان (۱۹۴۴ - ۱۸۸۰)، آخرین امیر بخارا بود. با وجودی که از سال ۱۸۷۳ خانان بخارا تحت الحمایه امپراتوری روسیه قرار گرفته بود، امیر در اداره امور داخلی آزادی عمل داشت و نظام سلطنت مطلقه خود را داشت. امیر بخارا پس از حمله روز ۲ سپتمبر ۱۹۲۰ میلادی نیروهای ارتش سرخ شوروی ناچار به دوشنبه و از آنجا به کابل رفت و در همانجا درگذشت. وی در سال های پناهندهگی در افغانستان علاوه بر ارتباط با باسماچیان خاطرات خود را به نام تاریخ حزن الملل بخارا به زبان فارسی نشر کرد که یک کاپی آن نزد این قلم موجود میباشد.
۶. Gregorian, Vartan. (1969). The emergence of modern Afghanistan: politics of reform and modernization, 1880-1946. Stanford, California, Stanford University Press.
۷. اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، آرشیف هند L/P&S/20/ B289.
۸. بویکو، ولادیمیر / ترجمه آریانفر، عزیز (۲۰۱۰). دولت و اپوزیسیون در افغانستان. .
۹. نظیف الله شهرانی
۱۰. ولادیمیر بویکو، افغانستان در مراحل نخست توسعه مستقل، ترجمه آریانفر.
۱۱. ولودارسکی، شوروی ها و همسایه های جنوبی شان ایران و افغانستان، ص ۱۷۷.

د پانوی شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

۱۲. آقابکوف (Georges Agabekov) مأمور دستگاه استخبارات ، و اولین مأمور عالیرتبه استخبارات روسیه بود که در سال ۱۹۳۰ به غرب گریخت و کتب افشاگرانه او سبب دستگیری وسیع عمال استخباراتی روس در شرق نزدیک و آسیای مرکزی گردید.
۱۳. لیون پولادا، اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۲۹ ، ص ۲۴۴.
۱۴. لیون پولادا، اصلاحات و اغتشاشات در افغانستان ۱۹۱۹-۱۹۲۹ ، ص ۲۴۴.
۱۵. در مکتوب ضمیمه معاهده بعد جنگ استقلال افغانستان با انگلیس ها ذکر شده است که وضع قبایل سرحد طرف دلچسپی هر دو دولت میباشد.. فریزر تینلر در کتاب خود (افغانستان : انکشافات سیاسی آسیای مرکزی و جنوبی) مینویسد که افغانها حاضر نبودند بدون مکتوب معاهده را امضا کنند. وی علاوه میکند که هدف پالیسی حکومت انگلیس در ۲۶ سال بعد از آن موافقه این بود که تا غیر قانونی بودن آن اعمال را که انگلیس ها مجاز دانسته بود، بر افغانها بقبولانند.
۱۶. ولودارسکی، میخائیل - ترجمه عزیز آریانفر(۲۰۰۱)، ص ۱۷۱.

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ